

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال سیزدهم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۴۰۰، پیاپی ۴۸، صص ۸۵-۱۲۰

DOI: 10.22099/jba.2020.37274.3770

بررسی ترجمه‌ی انگلیسی غزلی از حافظ بر پایه‌ی برداشت درست از متن

شیرین رزمجو بختیاری*

چکیده

مترجمان بسیاری شعر حافظ را به زبان انگلیسی ترجمه کرده‌اند. در ترجمه‌ی شعر حافظ دو نکته‌ی بسیار مهم وجود دارد؛ نخست ضرورت فهم دقیق شعر حافظ است و دیگر ضرورت آگاهی دقیق و عمیق از واژگان، تعابیر، اصطلاحات و ساختار زبان مقصد. هراندازه که مترجم با زبان مبدأ و مقصد آشنایی داشته باشد، زبان شعر و ادب در هر زمان و در هر فرهنگ به‌عنوان یک مؤلفه‌ی کاملاً مستقل نیازمند تخصص و مهارت است. در پژوهش حاضر یکی از غزل‌های حافظ با مطلع «مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو...» در پنج ترجمه‌ی انگلیسی از مترجمان فارسی‌زبان، یعنی شهریار شهریاری و عباس آریان‌پور و انگلیسی‌زبان، یعنی ویلبرفورس کلارک، پل اسمیت، رابرت بلائی و لئونارد لویسون به‌صورت هم‌زمان مطالعه و بررسی شده است. در این پژوهش از نظریه‌ی آنتوان برمن برای تحلیل ترجمه‌ها بهره برده و با استفاده از نظریه‌ی تحریف‌های معمول در ترجمه‌ی متون ادبی، ترجمه‌ها نقد و تحلیل شده‌اند. اگرچه تصور غالب این است که مترجمان فارسی‌زبان فهم بهتری از شعر حافظ دارند، اما پس از بررسی و تحلیل ترجمه‌های این مترجمان، عیوب ترجمه‌ی آن‌ها که ناشی از دانش ناقص ادبی و اطلاعات ناکافی آن‌ها از زبان هنری حافظ

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه shirin.razmjoo@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۵/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۲۴

این مقاله مستخرج از طرح پسادکتری نگارنده با عنوان «بررسی، مقایسه و آسیب‌شناسی ترجمه‌ی فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان از غزل‌های حافظ» است که در مرکز حافظ‌شناسی در بخش کرسی پژوهشی حافظ، با راهنمایی‌های ارزنده‌ی دکتر کاووس حسنی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز و با حمایت «صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور» (Iran National Science Foundation: INSF) انجام پذیرفته است.

بود، آشکار شد. مترجمان انگلیسی‌زبان بیشتر به متن مبدأ پایبند بوده‌اند، اما گاهی تلاش کرده‌اند با جایگزین کردن برخی مؤلفه‌ها، شعر حافظ را به فرهنگ زبان مقصد نزدیک‌تر کنند. **واژه‌های کلیدی:** آنتوان برمن، ترجمه‌ی دیوان حافظ، مترجمان انگلیسی‌زبان، مترجمان فارسی زبان، نقد ترجمه.

۱. مقدمه

وقتی سخن از ترجمه به میان می‌آید، آن هم ترجمه‌ی شعر، به‌ویژه شعر حافظ، مسلماً طرز تفکر و اندیشه‌ی مترجم در ترجمه آشکار می‌شود و مترجم نمی‌تواند از اعمال نظر در متن به‌دور باشد. یکی از خصوصیت‌های بارز شعر حافظ، چندمعنایی بودن آن است؛ این خصوصیت زبانی معمولاً در سطح واژگان و تعبیر اتفاق می‌افتد و کمتر پیش می‌آید که بتوان آن را در ترجمه نیز منتقل کرد. بنابراین مترجم به‌عنوان یکی از خوانندگان شعر حافظ، ناگزیر است یکی از معانی را برگزیند و به زبان مبدأ ترجمه کند؛ بنابراین قطعاً همه‌ی مترجمان یک معنی واحد را انتخاب نمی‌کنند و بدین شیوه رویکرد خاص خود را به شعر حافظ نشان می‌دهند. از این‌روست که ترجمه‌ی شعر حافظ به تفسیر، توضیح و گاه تأویل نزدیک می‌شود و هر مترجم می‌تواند رویکرد ویژه و منحصربه‌خود را به شعر حافظ داشته باشد؛ آن‌گونه که در تفسیرهای فارسی‌زبان شعر حافظ می‌بینیم. اما در ترجمه‌ی شعر حافظ چند نکته‌ی بسیار مهم وجود دارد که باید آن‌ها را بررسی کرد؛ نخست ضرورت فهم دقیق شعر حافظ است. هر متنی پیش از ترجمه نیازمند درک صحیح است و شعر حافظ نیز نه‌تنها مستثنا نیست که نیازمند دقت و باریک‌بینی خاص خود است. نکته‌ی مهم دیگر ضرورت آگاهی دقیق و عمیق از واژگان، تعبیر، اصطلاحات و ساختار زبان مقصد است. هراندازه که مترجم با زبان مبدأ و مقصد آشنایی داشته باشد، زبان شعر و ادب در هر زمان و در هر فرهنگ به‌عنوان یک مؤلفه‌ی کاملاً مستقل نیازمند تخصص و مهارت است. در راه ترجمه عوامل گوناگون دیگری چون اختلاف در بستر زمانی، مکانی، فرهنگی و ایدئولوژیک متن مبدأ و ترجمه‌ی آن می‌تواند موانع اساسی در راه ترجمه ایجاد کند. جمع تمام این ویژگی‌ها در ترجمه کار بسیار دشواری است و با بررسی ترجمه‌های موجود می‌توان به میزان تسلط هرکدام از مترجمان پی برد.

گام اول در این پژوهش بررسی دقیق و عمیق ترجمه‌های موجود از شعر حافظ است؛ پژوهشی که بتوان بر مبنای آن صحت و سقم ترجمه‌ها و میزان درک و دریافت مترجمان را از شعر حافظ سنجید. اگر مترجمان، شعر حافظ را چنان‌که باید خوانده و در آن تعمق کرده باشند و ابزار صحیح ترجمه از واژگان و تعبیر زبان مبدأ گرفته تا ساختار زبان مقصد در اختیارشان بوده باشد، قطعاً ترجمه‌ی شایسته و بسزایی از شعر حافظ ارائه کرده‌اند؛ در غیر این صورت، ممکن است آنچه از شعر حافظ ارائه داده‌اند، اندیشه و زبان حقیقی حافظ نباشد.*

امروزه دانش ترجمه‌شناسی درباره‌ی چگونگی ترجمه‌ها سخن می‌گوید؛ اینکه باید چه متنی را با چه کیفیت یا ویژگی‌هایی ترجمه کرد؛ کدام متون ترجمه‌پذیرند و چه تفاوت‌های ناگزیری به لحاظ ساخت زبانی در ترجمه‌ها اتفاق می‌افتد. تعریف ترجمه و بیان ویژگی‌های آن کار آسانی نیست، زیرا هر متنی سبک منحصربه‌فردی دارد که آن را در تحلیل و ترجمه از متون دیگر متمایز می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان در حوزه‌ی ترجمه، تعاریف یا ویژگی‌های کلی ارائه داد که شامل تمام متون ترجمه‌شده شود. «از زمانی که جاحظ در میان مسلمانان به بررسی ویژگی‌های ترجمه و طرح نظری برخی نکات درباره‌ی ترجمه پرداخت بیش از هزار سال می‌گذرد و ظاهراً قدمت بررسی‌های نظری درباره‌ی ترجمه در غرب نیز به پانصد سال می‌رسد و به اتین دوله فرانسوی باز می‌گردد. در طی این سال‌ها همواره بحث بر سر این موضوع بوده است که ترجمه‌ی خوب کدام است. آیا ترجمه باید به زبان مبدأ نزدیک‌تر باشد یا زبان مقصد. آیا باید تحت‌اللفظی باشد یا آزاد و چگونه باید به متن وفادار ماند» (صفوی، ۱۳۷۱: ۱۰).

تفاوت‌هایی که در زبان مبدأ و مقصد وجود دارد، چه در سطح آوایی، چه در سطح لغوی و چه در سطح ساختاری، تفاوت‌های ناگزیری را در ترجمه ایجاد می‌کند؛ چه متن مترجم علمی باشد، چه ادبی. در متون ادبی که نویسندگان از ظرفیت‌های وسیع زبانی بهره می‌گیرند، این تفاوت‌ها آشکارتر خواهد بود. بنابراین میزان ترجمه‌پذیری، میزان پایبندی به متن مبدأ یا مقصد و انتخاب واحد ترجمه در تأثیرگذاری ترجمه نقش بسزایی خواهد داشت.

۲. نظریه‌ی آنتوان برمن پیرامون ترجمه‌ی متون ادبی

یکی از نظریات مطرح برای ترجمه‌ی متون ادبی، نظریه‌ی آنتوان برمن است. از نظر وی ترجمه‌ی بد، ترجمه‌ای است که معمولاً به بهانه انتقال‌پذیری، به انکار نظام‌مند غرابت اثر بیگانه می‌پردازد، اما ترجمه تنها یک میانجی‌گری صرف نیست، بلکه فرایندی است که در آن رابطه ما با دیگری در میان است (احمدی، ۱۳۹۲: ۴).

آنتوان برمن (۱۹۹۱-۱۹۴۲) با نقد ترجمه‌های مترجمان کلاسیک و معاصر، نظریات خود را درباره‌ی ترجمه ارائه می‌دهد. به اعتقاد وی، در ترجمه‌ی هر متن بیگانه باید حالت غریبگی‌اش در زبان مقصد را حفظ کرد و نباید در ترجمه تغییراتی به نفع زبان مقصد انجام داد؛ زیرا معنا از طریق صورت انتقال می‌یابد. برمن بر این عقیده است که باید از هرگونه «مقدس‌شماری زبان مادری» اجتناب کرد. وی هرگونه حذف، اضافه، تغییر در سبک نویسنده، تغییر ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی را تحریف متن اصلی شمرده و از آن به‌عنوان سیستم تحریف متن یاد می‌کند. البته زمانی که روی عقاید برمن دقیق‌تر می‌شویم، به نظر می‌رسد این عقاید بسیار کمال‌گرایانه است (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۸).

موضع‌گیری نظری برمن انتقادی است، البته نه انتقاد از مترجمین کلاسیک، بلکه از مترجمین معاصر. او فهرستی از گرایش‌های تحریفی ترجمه را پیش می‌کشد و توجه را به این نکته جلب می‌کند که بد ترجمه کردن، یعنی یکسان‌سازی و آن جنایت علیه فرهنگ است. این گرایش‌های تحریفی، مجموعه‌ای نظام‌مند را شکل می‌دهند که هدف آگاهانه یا ناخودآگاه مترجم است. نابودی الفاظ زبان مبدأ به نفع معنا و شکل زیبا صورت می‌پذیرد. بدین‌سان اولین گرایش‌هایی که برمن برمی‌شمرد، یعنی معقول‌کردن، روشن‌سازی و زیباسازی از اصول مترجمین دوره‌ی کلاسیک است. اما گرایش‌های دیگری نیز هست مانند اطناب‌سازی، که در واقع اختصار یا کوتاه‌سازهای کمی و کیفی، ویران‌سازی نظام مبدأ، محوسازی چندزبانگی است که همه به نوعی نتیجه‌ی «یکسان‌سازی» است. معقول‌کردن، روشن‌سازی و بلندسازی به هم مرتبطاند (زنده‌بودی، ۱۳۹۰: ۲۵).

در این مقاله نیز سعی بر آن است که ترجمه‌های موجود براساس مؤلفه‌های سیستم تحریف متن آنتوان برمن نیز بررسی شود؛ بنابراین نخست به صورت مختصر به این ویژگی‌ها اشاره خواهد شد. برمن سیستم تحریف متن را بر اساس مؤلفه‌های زیر دسته‌بندی می‌کند:

اولین مؤلفه **عقلایی‌سازی** است؛ یعنی ایجاد تغییر در ساختار نحوی و شیوه‌ی علامت‌گذاری متن مبدأ. در این صورت، مترجم با توجه به نظم گفتمان مقصد، جملات و زنجیره‌ی جملات را بازتولید و مرتب می‌کند و به نظم درمی‌آورد (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۹). مؤلفه‌ی دوم، **شفاف‌سازی** یا **روشن‌سازی** است. «این روشن‌سازی را نباید با توصیف یا تصریح یکی دانست، چرا که هدف آن روشن‌ساختن آن چیزی است که نویسنده نمی‌خواهد روشن بماند. نتیجه‌ی آن این است که متن مقصد از متن مبدأ بلندتر خواهد بود» (زنده‌بودی، ۱۳۹۰: ۲۶).

مؤلفه‌ی سوم از سیستم تحریف متن برمن **اطناب کلام** یا **بلندسازی** است. «برمن نیز، همانند تمام مترجمان و نظریه‌پردازان، واقف است که هر ترجمه‌ای از متن اصلی‌اش طولانی‌تر است. برمن این اطناب کلام را حاصل دو فرآیند نخست، یعنی عقلایی‌سازی و شفاف‌سازی می‌داند. وی معتقد است که مترجم ایده‌ی «فشرده‌ی» متن مبدأ را باز می‌کند و این کار را «تهی‌شدگی» می‌نامد که تأثیری در غنابخشیدن به جان کلام ندارد؛ از این روی، بر آن جمله‌ی معروف خود که «افزوده هیچ نمی‌افزاید» تأکید می‌کند و افزوده را صرفاً در جهت انباشته‌کردن حجم متن و بی‌ثمر می‌داند. به اعتقاد برمن، اطناب کلام پایه‌ی زبان‌شناختی ندارد و گرایش لاینفک از ترجمه شده است» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۹).

تفاخرگرایی یا **زیباسازی** از دیگر مؤلفه‌های تحریف متن است و «عبارت است از خلق جملات زیبا بر پایه‌ی متن مبدأ. برمن ترجمه‌های زیبای این‌گونه را به تمرین‌های سبک‌شناختی و بازنویسی شبیه می‌داند» (زنده‌بودی، ۱۳۹۰: ۲۶). گرایش دیگر که برعکس زیباسازی است، «کوتاه‌سازی» یا «عامیانه‌کردن» است. در این گرایش تحریفی از دیدگاه برمن، از غنا و فراوانی واژه‌های متن مبدأ کاسته می‌شود (همان، ۲۷).

درباره‌ی شعر حافظ بیش از آنکه **تفاخرگرایی** اتفاق بیفتد، ممکن است **عامیانه‌کردن** رخ دهد، یعنی زبان فاخر و بلیغ و ادبی حافظ تبدیل به زبانی عامیانه شود. مؤلفه‌ی بعدی **غنازدایی** است که به دوگونه‌ی **کیفی و کمی** تقسیم می‌شود که به صورت «**ضعف کیفی و کمی**» نیز ترجمه شده است (رک. ماندی، ۱۳۹۴: ۲۸۶). «بنا بر عقیده‌ی برمن، غنازدایی کیفی، جایگزین کردن کلمات، اصطلاحات و پیچ‌وخم جملات با کلمات و اصطلاحاتی است که از لحاظ غنای معنایی، آوایی و طنین کلمات، در سطح واژه‌ی مبدأ نیستند. همچنین در غنازدایی کمی سخن از هدررفتن واژگانی است. برمن معتقد است که گاهی برای یک مدلول چندین دال وجود دارد و انتخاب یک دال به غنازدایی «کمی» منجر می‌شود. درست مثل اینکه نویسنده‌ای در اثر خود برای مدلول «صورت» از دال‌های قیافه، سیما، رخ و چهره استفاده کند؛ در این صورت ترجمه‌ی دال‌های مختلف به یک دال واحد، بدون در نظر گرفتن قصد واقعی نویسنده در استفاده از آن‌ها، همان تحریفی است که برمن از آن به عنوان غنازدایی کمی یاد می‌کند» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۶۰).

تحریف بعدی **همگون‌سازی** است؛ «یعنی یکپارچه و همسان‌کردن بافت متن در تمام سطوح؛ حتی هر آنچه که اساساً غیرهمگون است» (همان)

تخریب ضرب‌آهنگ نیز از دیگر تحریف‌هایی است که ممکن است در ترجمه رخ دهد. «برمن معتقد است که رمان و مقالات ادبی نیز به‌نوعی، همانند شعر، دارای ضرب‌آهنگ است. وی در این خصوص بیشترین توجه را به نشانه‌گذاری معطوف می‌دارد و معتقد است که نادیده‌گرفتن نشانه‌گذاری، باعث تغییر در ضرب‌آهنگ و تحریف متن می‌شود. اما از آنجایی که نشانه‌گذاری در زبان فارسی و به‌ویژه در متون قدیمی، متداول نبوده و به پیروی از نوشته‌های غربی، به‌ویژه زبان انگلیسی و فرانسه، وارد زبان فارسی شده است، بسیار دشوار می‌نماید که بتوان مطابق با متن اصلی به علامت‌گذاری‌ها وفادار بود» (همان).

تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن از دیگر مؤلفه‌های تحریف متن برمن است که برگردان دیگر آن **ازبین‌رفتن شبکه‌های زیربنایی دلالت** است (رک. ماندی، ۱۳۹۴:

(۲۸۶). «برمن معتقد است که هر اثری دارای متنی مستتر است که در آن دال‌هایی برگزیده می‌شوند که بار معنایی‌شان را به هم قرض می‌دهند و در ارتباط با هم زنجیره‌ای پیوسته را تشکیل می‌دهند که خواننده را به مفهومی خاص هدایت می‌کند. به اعتقاد وی، ترجمه‌ای که نتواند این شبکه و زنجیره را منتقل کند، متن اصلی را تحریف کرده‌است» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۶۲). آنچه در شعر فارسی با عنوان «براعت استهلال» یا «مراعات نظیر» شناخته می‌شود، می‌تواند از نوع «شبکه‌هایی معنایی مستتر در متن» باشد.

تحریف بعدی تخریب یا از بین رفتن اصطلاحات است. برمن جایگزینی یک اصطلاح یا ضرب‌المثل با معادل آن در زبان مقصد را نوعی «قومی‌گرایی» می‌داند. به گفته‌ی وی بازی با «تعادل» در واقع حمله به گفتمان اثر بیگانه است (رک. ماندی، ۱۳۹۴: ۲۸۷)

از اینجاست که می‌توان فهمید، برمن معتقد است ترجمه را معمولاً صاحبان زبان مقصد انجام می‌دهند نه زبان مبدأ. یعنی وقتی بناست که متنی از زبان فارسی به انگلیسی ترجمه شود، انگلیسی‌زبانان این کار را انجام می‌دهند، یا شاید بهتر است انگلیسی‌زبانان این کار را انجام دهند، نه فارسی‌زبانان. اما نکته‌ی مهم اینجاست که باید توجه داشت در عمل، کدام‌یک در ترجمه موفق‌تر عمل کرده‌اند؛ مترجمان زبان مبدأ یا مقصد.

۳. پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی ترجمه‌های انگلیسی شعر حافظ مقاله‌های ارزشمندی نوشته شده است که به معرفی و بررسی این ترجمه‌ها پرداخته‌اند. از این میان می‌توان به مقاله‌ای (Translations Hafez in English) در دایرةالمعارف ایرانیکا نوشته‌ی پروین لؤلویی (۱۳۹۵) اشاره کرد که مصطفی حسینی آن را به فارسی ترجمه کرده است. همچنین در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ذیل مدخل حافظ، آقای مجدالدین کیوانی (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان «ترجمه‌های انگلیسی اشعار حافظ» نوشته‌اند که در آن ۴۲ ترجمه‌ی انگلیسی از شعر حافظ معرفی شده است. احمد کریمی‌حکاک (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان «زیر بار امانت حافظ» سه ترجمه‌ی گرتروود بل، الیزابت گری و رضا صابری را بررسی و مقایسه کرده است. برخی از مقاله‌ها به ویژگی‌های بیانی و ادبی شعر حافظ پرداخته‌اند و از منظر زبانی، جزئیات

ترجمه‌ی شعر او را واکاوی کرده‌اند. سالار منافی اناری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «افزایش، کاهش و تطابق در ترجمه‌های انگلیسی اشعار حافظ» چهار ترجمه را مقابله کرده و دلیل افزایش یا کاهش واژگان را در ترجمه یافته است. دیک دیویس (۱۳۹۱) مقاله‌ای درباره‌ی ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ نوشته است و مصطفی حسینی و بهنام میرزابابازاده فومشی آن را ترجمه کرده‌اند و در مجله‌ی ادبیات تطبیقی چاپ شده است. رضا رضایی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان *بررسی امکان/تخاذه رویکرد/ساختی در ترجمه‌های حافظ به راهنمایی دکتر حسین پاینده*، هفت غزل حافظ را در دو ترجمه‌ی ویلبرفورس کلارک و رضا صابری با نظریه‌ی واساختی دریدایی تحلیل کرده است. مهرداد نیک‌نام (۱۳۸۱) نیز در بخشی از کتاب‌شناسی *حافظ ترجمه‌های انگلیسی کامل و گزیده‌ی دیوان حافظ را فهرست کرده است که برای انجام تحقیقات در این زمینه مفید است*. یکی از کتاب‌هایی که در زمینه‌ی رویکرد غربیان به حافظ و تألیف‌های آنان درباره‌ی او نوشته شده است، کتاب ناصر کنعانی (۲۰۱۶) است.^۱ او در جلد نخست این کتاب به معرفی حافظ، اندیشه و آثار او پرداخته و در جلد دوم رویکرد غربیان و شرق‌شناسان را به حافظ شرح و بسط داده است.

علاوه‌بر پژوهش‌های گفته‌شده، مقاله‌های گوناگونی به‌صورت موردی مباحثی را در برخی ترجمه‌های شعر حافظ بررسی کرده‌اند؛ مثلاً در مقاله‌ای محمودی بختیاری و پورنصرخاکباز (۱۳۹۰) ایهام در پنج ترجمه‌ی کلارک، صابری، بل، آریان‌پور و آبروی بررسی شده و میزان دقت ترجمه‌ی مترجمان آزموده شده است.

در زبان فارسی ضمائر مؤنث و مذکر وجود ندارد، اما در ترجمه‌ی انگلیسی اگر بنا باشد معادل ضمیری آن آورده شود باید از یکی از ضمائر مذکر یا مؤنث بهره گرفته شود. این مسأله در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت‌های نحوی، چالشی در ترجمه‌ی ادبی» بررسی شده است (حسینی معصوم و علیزاده، ۱۳۹۴).

از دیگر ویژگی‌های منحصربه‌فرد شعر فارسی ردیف است که بسیاری از مترجمان درصدد ترجمه‌ی آن برآمده‌اند. این ویژگی نیز به‌صورت موردی در مقاله‌ای با عنوان

«ترجمه‌ی ردیف در شعر فارسی؛ مطالعه‌ی موردی ترجمه‌ای از دیوان حافظ» بررسی شده است (محمودی بختیاری، ۱۳۹۲).

مقاله‌های فراوانی نظریه‌ی تحریف متن آنتوان برمن را تشریح کرده‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به مقاله‌ی «آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه» از محمدرحیم احمدی (۱۳۹۲) و «از خود و دیگری و گرایش‌های تحریفی در گفتمان ترجمه‌شناختی آنتوان برمن تا ترجمه‌ناپذیری» از مهران زنده‌بودی (۱۳۹۰) و «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن» از فاطمه مهدی‌پور (۱۳۸۹) اشاره کرد که مؤلفه‌های نظریه برمن را به‌خوبی بازنمایی کرده‌اند.

۴. روش تحقیق

در این پژوهش طیف گسترده‌ای از ترجمه‌ها انتخاب شده‌است؛ ترجمه‌های نظم و نثر، ادبی و فال‌نامه‌ای، مترجمان فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان. این تنوع در انتخاب به‌منظور نشان دادن رویکردهای متنوع و متفاوت در ترجمه‌ی متنی واحد است. این میزان تنوع نشان‌دهنده‌ی دریافت‌های متفاوت (گاه درست و گاه نادرست) و رویکرد مترجم به متن مبدأ و مقصد است. از آن میان پنج مترجم انتخاب شد که در ادامه معرفی خواهند شد. از میان مترجمان شعر حافظ یکی کلارک است که تقریباً تمام دیوان حافظ را ترجمه کرده است. «سرهنگ دوم ویلبرفورس کلارک (د ۱۹۰۵م/۱۳۲۳ق)، عضو گروه مهندسان بنگال، ۶۱ رباعی، یک مخمس و چند بیت مثنوی حافظ را به نثر انگلیسی ترجمه کرد. مراد او از این کار، انتقال و رسانیدن خالص معانی و کاربردهای صوفیانه‌ی خواجه بوده، و به همین سبب با افزودن جمله‌های معترضه‌ی بسیار و قراردادن آن‌ها در پرانتز، به تبیین معانی صوفیانه‌ی اشعار حافظ پرداخته است. او ترجمه‌های منظوم بیکنل را برای خواستاران اشعار حافظ «بی‌ارزش» می‌خواند. عنوان اثرش که در کلکته (۱۸۹۱م) به چاپ رساند دیوان خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی، نیز معروف به *لسان‌الغیب* و *ترجمان‌الاسرار*، سروده شده در سده‌ی چهاردهم است» (کیوانی، ۱۳۹۰: ۶۸۳)

برخی ترجمه‌های انگلیسی غزل‌های حافظ منظوم هستند. تعدادی از این ترجمه‌ها درصدد تقلید از وزن و قافیه‌ی غزلیات و استفاده از آن در ترجمه‌ی شعر حافظ‌اند. پُل اسمیت از جمله‌ی این مترجمان است. «اسمیت (ز ۱۹۴۵م/۱۳۲۴ش)، شاعر استرالیایی، بیشتر دیوان حافظ را از غزل و قصیده و رباعی گرفته تا مخمس و مثنوی به نظم انگلیسی ترجمه و با عنوان *دیوان حافظ* در دو مجلد در ملبورن (۱۹۸۳م) به چاپ رساند» (همان، ۶۸۵)

از دیگر ترجمه‌های انگلیسی حافظ *The Angels Knocking on the Tavern Door* ترجمه‌ی بلای و لویسون است. مقدمه‌ی این کتاب را کاظم فیروزمند ترجمه کرده و غزل‌ها را به صورت دوزبانه، یعنی ترجمه‌ی انگلیسی و غزل فارسی، منتشر کرده است. «رابرت بلای، شاعر آمریکایی و لئونارد لویزن، استاد ادبیات فارسی کلاسیک و عرفانی در دانشگاه اکستر، سی غزل از اشعار حافظ را به شعر انگلیسی ترجمه و در ۲۰۰۸م در نیویورک منتشر کردند. به نظر می‌رسد کار مشترک این دو آمریکایی تا این زمان جدیدترین ترجمه‌ی انگلیسی اشعاری از لسان‌الغیب است. ترجمه تماماً بر عهده‌ی لویزن و نظم آن عمدتاً بر عهده‌ی بلای بوده است (همان، ۶۸۶). به گفته‌ی لویسون «چهارده سال روی ترجمه‌ی این سی غزل کار کردیم. در مجموع، در این ترجمه هرگاه از معنای دقیق مورد نظر حافظ عدول کرده‌ایم، همیشه آگاهانه و در جهت رساندن معنای شعر و نه حاصل نظرورزی بیهوده، بوده است... با آن‌که منتهای سعی خود را در این کار کرده‌ایم، هنوز احساس می‌کنیم کاستی‌های عظیم در ترجمه‌مان وجود دارد که گاهی به ازدست‌رفتن ذوق شاعری یا نبود آن شگفت‌آوری یا بازسازی نادقیق معانی ژرف‌تر شعر، همین‌طور فداشدن موسیقی اصلی کلام، سر می‌زند» (بلای و لویسون، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۹).

«شهریار شهریار (۱۳۴۳)، فارغ‌التحصیل رشته‌ی مهندسی مکانیک از دانشگاه‌های انگلستان و کانادا و مقیم لس‌آنجلس در ۲۰۰۲م/۱۳۸۱ش، بیش از ۱۲۰ غزل و ۴۰ رباعی حافظ را که به انگلیسی نسبتاً روشن و قابل‌فهمی ترجمه کرده بود، به روش الکترونیکی منتشر کرد» (کیوانی، ۱۳۹۰: ۶۸۶).

«عباس آریانپور (۱۳۶۴ش)، استاد دانشگاه و فرهنگنامه‌نویس ایرانی، نزدیک به ۱۶۰ غزل حافظ را به شعر انگلیسی ترجمه و با عنوان *طالع‌بینی شاعرانه یا غزلیاتی از حافظ* در تهران منتشر کرد» (همان، ۶۸۵).

این تحقیق با مطالعات اولیه در زمینه‌ی ترجمه آغاز شده است. سپس به مرحله‌ی آسیب‌شناسی ترجمه‌ی تک‌تک ابیات می‌انجامد. ابیات موجود بر اساس تصحیح قزوینی و غنی نوشته و سپس ترجمه‌های این پنج مترجم در ذیل هر بیت آورده شد. برای تحلیل و بررسی ترجمه‌ها لازم بود که جدول‌هایی تنظیم شود که در برابر هر عبارت فارسی معادل‌های پنج مترجم به تفکیک آورده شود تا امکان تحلیل و مقایسه میسر گردد. پس از تنظیم جدول‌ها، با توجه به نظریه‌ی آنتوان برمن مقایسه و تحلیل تطبیقی ترجمه‌ها آمده است؛ البته سعی شده که تحلیل و بررسی‌ها فراتر از این نظریه باشد. آنتوان برمن معتقد به امانت‌داری در قبال متن مبدأ است و اصول و معیارهایی که برمی‌شمارد، بر اساس تأکید بر متن مبدأ است و نه مخاطب.

برای توضیح واژگان فارسی و انگلیسی از فرهنگ‌هایی استفاده شده که در متن به صورت اختصاری به آن‌ها ارجاع داده شده است؛ علائم اختصاری به شرح زیر است:

فرهنگ آریان‌پور: آر	فرهنگ هزاره: هز
لغت‌نامه‌ی دهخدا: دهخدا	فرهنگ سخن: سخن

Oxford English Dictionary: OED

Urban dictionary: UD

Merriam Webster: MW

۵. تحلیل ترجمه‌ی غزلی از حافظ

برای تحلیل ترجمه‌های مترجمان فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبان شعر حافظ، غزل ۴۰۷ دیوان حافظ با مطلع «مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو» به‌عنوان نمونه انتخاب شده است که در ادامه، ترجمه‌ی کل غزل از پنج مترجم به همراه تحلیل تک‌تک ابیات ارائه خواهد شد؛ ابتدا بیت فارسی براساس تصحیح دیوان حافظ قزوینی - غنی نوشته می‌شود، سپس ترجمه‌ی همان بیت از هر پنج مترجم در ادامه خواهد آمد. در جدولی زیر هر غزل

ترکیب‌ها یا واژگانی که جای بحث و بررسی دارد به همراه معادل آن‌ها در هر پنج ترجمه به صورت جداگانه ذکر می‌شود. در برخی ترجمه‌ها زیر تعدادی از واژگان یا ترکیب‌ها خط کشیده شده است که نشانگر توضیح‌های اضافی و در حقیقت اطناب، در ترجمه است؛ یعنی این ترکیب‌ها در شعر حافظ نیست و مترجم آن‌ها را افزوده است.

شماره صفحه	مطلع غزل	بلای و لویسون	شهریاری	آریان‌پور	کلارک	اسمیت
مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو	۱۶۴	۲*	۱۲۰	۲/۷۸۹	۴۷۷	

۱ مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

Clarke: The green expanse of sky, I beheld; and the sickle³ (the crescent) of the new moon;
To me, recollection came of my own sown-field; and of the time of reaping (the judgment-day).

Smith: When at wide green sky and sickle of crescent moon I was looking,
I remembered my own field's sowing, and the time of the reaping.

Bly & Lewisohn: The green cultivated fields of the firmament⁴ I did see,
And I saw the curved knife of the new moon; I remembered
The seeds I had sown, and the time of harvest.

Aryanpur: Heaven's green-field and new Moon's scythe⁵ I saw;
I thought of seeds sown and the harvest I draw.

Shahriari: The green fields of fate were fully grown
 While the new moon's sickle hung in the west.
 I remembered the crops I had sown
 It was now time for my harvest.

*تحلیل بیت ۱:

Shahriari	Aryanour	Bly & Lewisohn	Smith	Clarke	مترجم واژگان
The green fields of fate	Heaven's green-field	The green <u>cultivated</u> fields of the firmament	at wide green sky	The green expanse of sky	مزرع سبز فلک
-	I saw	I did see	I was looking	I beheld	دیدم
sickle	Scythe	the curved knife of	sickle of	the sickle	داس
the new moon	new Moon	the new moon	crescent moon	new moon	مه نو

*مزرع: معادل «مزرع» را کلارک expanse و اسمیت wide آورده است به معنی گستره و پهن‌دشت. با این معادل‌ها شاهد تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن هستیم، زیرا مزرع، سبز، داس و ماه شبکه‌های درهم‌تنیده‌ای از تناسب و مراعات‌النظیر را در متن مبدأ ایجاد کرده‌اند که این موضوع در ترجمه مغفول مانده است.

*اسمیت: زمان فعل «دیدم» در مصراع نخست ماضی ساده است که این زمان در ترجمه‌ی اسمیت به‌درستی ترجمه نشده است (= I was looking) و شاهد تغییر در ساختار نحوی جملات هستیم؛ زیرا در ترجمه‌ی این بیت اسمیت ساختار جملات را بدین شکل تغییر داده‌است: وقتی به گستره‌ی سبز آسمان و داس ماه نو می‌نگریستم کشت مزرعه‌ی خویش و هنگام درو را به یاد آوردم.

* بلای و لویسون: معادل داس را *curved knife* آورده‌اند که به معنای چاقوی منحنی است و با داس بسیار متفاوت است و با مزرع، سبز، کشته و درو به هیچ‌وجه متناسب نیست و شاهد تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در بیت هستیم.

معادل مزرع سبزِ فلک *The green cultivated fields of the firmament* آورده شده است. انتخاب کلمه‌ی *firmament* برای آسمان از لحاظ لحن و سبک بسیار مناسب می‌نماید، اما معادل مزرع ترکیب *cultivated fields* = مزرعه‌های زیر کشت، تحریف از متن اصلی است و اطناب دارد.

معادل ترکیب کشته‌ی خویش *The seeds I had sown* نیز اطناب دارد. در ترجمه‌ی بلای و لویسون اطناب دیده می‌شود. زیر کلماتی که در متن مبدأ نیست ولی در ترجمه اضافه شده‌است، خط کشیده شده است.

* آریان‌پور: معادل مزرع سبزِ فلک (= آسمان) *Heaven* آمده که از لحاظ لحن متناسب است و با دیگر ترجمه‌ها همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، متفاوت است. معادل کشته‌ی خویش *seeds sown* آورده شده است که خویش در ترجمه لحاظ نشده است.

* شهریار: مزرع سبزِ فلک یعنی آسمان را *The green fields of fate* ترجمه کرده است. مترجم با این کار یعنی با تفسیر حداقلی از کلمه‌ی آسمان به معنی تقدیر و سرنوشت و با فروکاستن از چندمعنایی به تک‌معنایی (= شفاف‌سازی) زیبایی و بلاغتی را که در تصویر بیت در زبان مبدأ بوده، مخدوش کرده است. منظور از فروکاستن معنا در این بیت این نیست که لفظ آسمان چند معنا دارد؛ بلکه منظور این است که آسمان در این بیت در کنار کلماتی چون ماه، مزرعه، داس و درو تصویری آفریده که اگر آن را برداریم و به جای آن تقدیر بگذاریم، زیبایی و بلاغت تصویر را نادیده گرفته و تعدد معانی را تقلیل

داده‌ایم. ذکر این نکته نیز لازم است که در این بیت اصلاً منظور از آسمان سرنوشت و تقدیر نیست.

در ترجمه‌ی مذکور، شاید بتوان تغییردادن معنای بیت را برای رعایت قافیه در زبان مقصد، زیر عنوان تفاخرگرایی آورد، زیرا شهریاری grown را با swon و west را با harvest قافیه کرده است و برای جورکردن قافیه، کلماتی را وارد ترجمه کرده است که در متن مبدا اصلاً وجود ندارد.

۲ گفتم ای بخت بختیدی و خورشید دمید

گفت با این همه از سابقه نومید مشو

Clarke: I said: "fortune! Thou⁶ hast⁷ slept; and appeared hath⁸ the sun:"
He said: "Despite all this, hopeless of the past, be not."

Smith: I said: "O fortune, the sun has now risen and you are lost in sleep":
The answer was: "Despite what happened, don't worry, be hoping

Bly & Lewisohn: I said, "Bad luck. My lucky star has gone down, and the sun
Has already risen." In reply, Fortune said, "Despite all this,
Do not forget the blessing⁹ laid down for you long ago."

Aryanpur: I said: "my luck slept and the Sun arose".
It said, "Don't be disappointed, I propose.

Shahriari: I said O fate, when will you awake?
The sun is up, it is now dawn-break.
Said, you have made many a mistake,
Yet keep hope and faith within your breast.

تحلیل بیت ۲:

Shahriari	Aryanour	Bly & Lewisohn	Smith	Clarke	مترجم واژگان
-	-	the blessing <u>laid down</u> <u>for you</u> <u>long ago</u>	-	the past	از سابقه
Yet keep hope <u>and</u> <u>faith within</u> <u>your breast</u>	Don't be disappointed	Do not forget	don't worry, be hoping	hopeless of....., be not.	نومید مشو

* بلای و لویسون: در ترجمه‌ی بلای و لویسون شاهد اطناب هستیم. عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است، در ترجمه افزون بر متن است. علاوه بر این، ساختار نحوی جملات را نیز تغییر داده شده است.

* آریان‌پور و شهریاری: ترجمه‌ی شهریاری و آریان‌پور آزاد است و در هر دو ترجمه، شاهد اطناب و تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن هستیم.

* سابقه: در بررسی تطبیقی ترجمه‌ها درباره‌ی سابقه می‌توان گفت که کلمه‌ی سابقه را مترجمان به‌درستی درنیافته‌اند و این امر موجب شده است یا آن را نادیده بگیرند و ترجمه نکنند یا ترجمه‌ای از آن ارائه کنند که با زبان مبدأ و معنی آن متفاوت است، از پنج ترجمه، فقط دو ترجمه کلمه‌ی سابقه را لحاظ کرده‌اند.

درباره‌ی معنی سابقه در شروح حافظ چنین آمده است: سابقه یعنی «لطف پیشین خداوند که فرمود: سبقت رحمتی غضبی» (خطیب‌رهبر، ۱۳۸۵: ۵۵۴)؛ یعنی «سابقه‌ی لطف و رحمت ازلی خداوند، عنایت ازلی خداوند. در جای دیگر گوید: ناامیدم مکن از سابقه‌ی لطف ازل/ تو پس پرده چه دانی که که خوب است و که زشت» (خرمشاهی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۱۱۲۲). همچنین «پیوند ازلی پروردگار با بندگان و اینکه او بندگان را دوست

می‌دارد (مائده/ ۵۴) و در ازل بندگانی که هنوز خلقت این جهانی نیافته بودند به پروردگاری او گواهی داده‌اند (اعراف/ ۱۷۲) و درک اسرار حق را پذیرفته‌اند (احزاب/ ۷۲) (استعلامی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۱۰۳۹). «سابقت علم الهی است و آنچه از سعادت و شقاوت برای هر کس در آن نقش بسته است (جبر اشعری)» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۸۱).

در لغت‌نامه‌ی دهخدا، همین بیت حافظ را برای معنی سابقه به‌عنوان مثال آورده شده است، (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل مدخل سابقه) اما سابقه را در این بیت به معنی پیشینه، اعمال گذشته و کارنامه‌ی گذشته دانسته است. در این بیت سابقه‌ی پیشین به معنای عنایت و لطف ازلی است که این معنا در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیامده است و این بیت را دهخدا به اشتباه زیر معنی اعمال گذشته و کارنامه‌ی گذشته آورده است.

در فرهنگ سخن، پنج معنی برای سابقه ذکر شده است که معنی پنجم چنین است: (تصوّف) پیشینه‌ی انسان در ازل که با عنایت رقم زده شده بوده است: ناامیدم مکن از سابقه‌ی لطف ازل... (انوری، ۱۳۸۱: ذیل مدخل سابقه)

در بیت مورد بحث، سابقه به معنای لطف و عنایت ازلی است و منطبق بر حدیث سبقت رحمتی غضبی. به نظر می‌رسد معنی دوم در فرهنگ‌های موجود نادیده گرفته شده است، اما در شروح حافظ چنان که آمد، بدان اشاره شده است.

باتوجه به بررسی تطبیقی ترجمه‌ها که در جدول بالا نشان داده شد، فقط در ترجمه‌ی کلارک و بلای-لویسون، این کلمه را ترجمه کرده‌اند و این دو نیز معنای دقیق این کلمه را در زبان مبدأ به درستی دریافت نکرده‌اند. کلارک همان معنای «گذشته» (=the past) را آورده ولی بلای-لویسون به معنای متن مبدأ نزدیک‌تر شده‌اند و سابقه را «موهبتی که سال‌ها قبل برای تو تعیین شده» (=the blessing laid down for you long ago) ترجمه کرده‌اند.

۳ گر روی پاک و مجرد چو مسیحا به فلک

از چراغ تو به خورشید رسد صد پرتو

Clarke: If, like the Masiha (the anointed¹⁰ one), to the sky (heaven) thou go pure and free (of the body),
To the sun, will reach many a ray of thy splendour¹¹.

Smith: If you happen to go pure and free like the Messiah to the heavens,

To the sun there will reach many rays of your bright light shining.

Bly & Lewisohn: Like Jesus, ascend on the night of your death
Straight up to hevean – so that from your lantern
A hundred rays of light will reach the sun.

Aryanpur: If you ascend as pure as Christ divine;
Your radiant rays the Sun will outshine.

Shahriari: If like the Christ, this world you depart
With integrity and with a pure heart,
Your brightness will give a new start
To the sun, even shinning at its crest¹².

تحلیل بیت ۳:

Bly & Lewisohn	مترجم واژگان	Shahriari	Aryanour	Smith	Clarke	مترجم واژگان
ascend on	آن چنان رو	If	If	If	If	گر
the night of your death	شب رحلت	<u>this world</u> you depart, With integrity and with a pure <u>heart</u> .	you ascend as pure as	you happen to go pure and free	thou go pure and free (of the body)	روی پاک و مجرد

Like Jesus	چو مسیحا	like the Christ	Christ <u>divine</u>	like the Messiah	like the Masiha (the anointed one)	چو مسیحا
<u>Straight up to hevean</u>	به فلک	-	-	to the heavens	to the sky (heaven)	به فلک
<u>so that from your lantern</u> ¹³	از چراغ تو	Your brightness	Your radiant rays	of your bright light shining	of thy splendour	از چراغ تو
the sun	به خورشید	To the sun	the Sun	To the sun	To the sun	به خورشید
A hundred rays of light will reach	رسد صد پرتو	<u>will give a new start</u>	<u>will outshine</u>	there will reach many rays	will reach many a ray of thy splendour	رسد صد پرتو

*کلارک: همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌کنید، بعضی از کلمات در ترجمه مغفول مانده است. با اینکه کلارک در مقایسه با دیگر مترجمان به متن مبدأ پایبندتر است، اما بعضی از ترکیبات را در ترجمه تغییر داده است: «از چراغ تو» را به thy splendour ترجمه کرده است؛ یعنی «از شکوه و جلال تو» که طبق نظریه‌ی برمن شاهد تفاخ‌گرایی یا تغییر لحن در متن مقصد هستیم؛ یا به جای «صد پرتو» ترکیب many a ray آورده است که باز به متن مبدأ پایبند نیست.

*اسمیت: در ترجمه‌ی اسمیت با افزودن کلماتی به متن مبدأ به قصد شفاف‌سازی، شاهد اطناب هستیم. وی معادل «از چراغ تو» your bright light shining آورده است و به جای «صد پرتو» many rays آورده است.

* بلای و لویسون: بلای و لویسون برای ترجمه از تصحیح حافظ پرویز ناتل خانلری استفاده کرده‌اند، در این تصحیح مصراع نخست بیت چنین است: «آن‌چنان رو شب رحلت چو مسیحا به فلک» در این ترجمه نیز با افزودن *Straight up to* شاهد اطناب در ترجمه‌ی مصراع نخست هستیم.

* آریان‌پور: در ترجمه‌ی مصراع دوم مترجم برای روشن‌نگری معنایی، تغییراتی در متن مبدأ داده است.

به جای «از چراغ تو» *Your radiant rays* (= تابش درخشان تو) آورده است و معادل «به خورشید رسد صد پرتو» را *the Sun will outshine* (= از خورشید پیش می‌گیرد) قرار داده است. این تغییر موجب شفاف‌سازی و عامیانه‌کردن لحن در زبان مقصد شده است که هر دو در نظریه‌ی برمن از عیوب ترجمه است.

* شهریار: اطناب در ترجمه‌ی شهریار بسیار است و یکی از علت‌های آن آوردن لغاتی است که به گونه‌ای قافیه است. مثل *start, heart, depart* و *crest*. عبارتهایی که در ترجمه‌ی شهریار زیر آن خط کشیده شده و تعداد آن هم کم نیست، کلماتی هستند که مترجم به ذوق خویش در متن مقصد اضافه کرده است.

* مسیحا: همان‌طور که در جدول دیده می‌شود، تأثیرگذاری اندیشه و جهان‌بینی مترجمان مسیحی در ترجمه‌ی این کلمه مشهود است. در ترجمه‌ی کلارک اطناب دیده می‌شود، زیرا به رسم تدهین کردن (که یکی از مراسم مذهبی مسیحیان است) اشاره کرده که در متن مبدأ بدان اشاره‌ای نشده است و آریان‌پور، مترجم فارسی‌زبان، هم صفت *divine* را به کلمه‌ی مسیحا افزوده است.

۴ تکیه بر اختر شب دزد مکن کاین عیار
تاج کاووس ببرد و کمر کیخسرو

Clarke: On the star, the (wandering) thief of night, rely not. For this knave¹⁴

Took the crown of Kay Kaus; and the girdle¹⁵ of Kay Khusrau.

Smith: Don't you ever trust in the false star, because that thief of the night,

That old trickster¹⁶, the crown of Kaus and Kay Khusrau was stealing.

Bly & Lewisohn: Don't depend on the gift-giving star; it is A midnight thief, for this theif has stolen the throne Of king Kavaz, and the belt worn by Kay-Kusraw.

Aryanpur: The night-roving stars're unworthy of trust,
They reduced many famous kings to mere dust.

Shahriari: Don't seek your guidance in the skies
It is deceitful, though it seems wise.
It helped many kings majestically rise
Then brought them down at its own behest.

تحلیل بیت ۴:

Shahriari	Aryanour	Bly & Lewisohn	Smith	Clarke	مترجم واژگان
-	The night-roving stars	The <u>gift-giving</u> star; <u>it is</u> a <u>midnight</u> thief	<u>the false star,</u> <u>because</u> <u>that</u> thief of the night	On the star, the (wandering) thief of night	اختر شب دزد
-	-	for this theif	that thief of the night, That <u>old</u> trickster	For this knave	کاین عیار

-	<u>They reduced many famous kings to mere dust</u>	has stolen the throne Of <u>king</u> Kavas	the crown of Kaus and Kay Khusrau was stealing	Took the crown of Kay Ka,us	تاج کاووس ببرد
-	-	the belt worn by Kay-Kusraw	-	the girdle of Kay Khusrau	کمر کیخسرو

*اسمیت: در این ترجمه کمر کیخسرو مفعول مانده است. زمان دستوری در متن مبدأ، گذشته‌ی ساده است؛ ولی در ترجمه‌ی اسمیت ماضی استمراری است. در ترجمه‌ی مصراع دوم اشتباه‌هایی رخ داده است؛ زیرا گفته شده است که آن حقه‌باز کهنه‌کار در حال دزدیدن تاج کیکاووس و کیخسرو بود نه تاج کاووس و کمر بند کیخسرو. در مصراع نخست شب‌دزد در متن مبدأ صفت اختر است ولی در ترجمه، صفت عیار دانسته شده است.

*بلای و لویسون: معادل ترجمه‌ی اختر شب‌دزد را gift-giving گذاشته‌اند که علت آن مشخص نیست. به نظر می‌رسد مترجمان معنای مصراع نخست را در زبان مبدأ متوجه نشده‌اند. به جای عیار midnight thief آمده‌است که باز دقیق نیست. علاوه‌بر این در ترجمه‌ی مصراع دوم، شاهد اطناب هستیم که زیر کلمات اضافه‌ی آن خط کشیده شد.

*آریان‌پور و شهریاری: در این دو ترجمه، مخصوصاً ترجمه‌ی شهریاری با یک ترجمه‌ی آزاد مواجه هستیم. شهریاری برای رعایت قافیه، عبارات و ترکیب‌هایی را به زبان مقصد افزوده است که موجب اطناب شده است و آریان‌پور نیز فارغ از ترجمه‌ی شبکه‌های معنایی متن، به ترجمه‌ی مفهوم بیت پرداخته است و چنین ترجمه کرده است که «ستاره‌ی شب‌گرد ارزش اعتماد را ندارد، این ستارگان بسیاری از پادشاهان را در خاک کرده‌اند». با چنین ترجمه‌ای، تمثیل‌های بیت نادیده گرفته شده است و شاهد تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن هستیم.

*عیار: آریان‌پور و شهریاری مضمون کلی بیت را ترجمه کرده‌اند و به این وسیله از ترجمه‌ی عیار‌شانه خالی کرده‌اند، اما کلارک که در ترجمه‌ی ابیات سعی در پایبندی به متن مبدأ دارد، به جای عیار کلمه‌ی knave به کار برده است که به معنی آدم رذل، آدم بی‌شرف، آدم فرومایه و آدم پست‌فطرت (هز) است. این کلمه معادل مناسبی برای عیار در فارسی نیست و به هیچ‌وجه بار معنایی عیار را ندارد. بهتر بود همان‌گونه که کلارک در نمونه‌های مشابه عین کلمه را می‌آورد و بعد درباره‌ی آن توضیح می‌داد، درباره‌ی عیار هم همان روش را درپیش می‌گرفت.

اسمیت از کلمه‌ی trickster و that thief of the night با هم استفاده کرده‌است؛ trickster به معنای دغلباز، شیاد و حقه‌باز (هز) است که معادل مناسبی برای عیار نیست؛ درعین‌حال آوردن دو معادل برای کلمه‌ی عیار اطناب دارد و فصیح نیست. بلای و لويسون هم معادل عیار را thief آورده‌اند که باز معادل دقیقی نیست.

۵ گوشوار زر و لعل ار چه گران دارد گوش
دور خوبی گذران است نصیحت بشنو

Clarke: Although the ear be heavy with (dull to) the ear-ring of gold and of ruby (profitable counsel),
The season of beauteousness (youthfulness) is passing; counsel, hear.

Smith: Although the ear may be heavy with an ear-ring of gold and ruby,
The season of beauty is a passing thing, this wise advice be hearing.

Bly & Lewisohn: Although your gold and ruby earring may weigh
Down your ear a bit, listen to my advice:
The time of pleasant fairness doesn't last long.
Aryanpur: Gold and ruby ear-rings are dear¹⁷ in price-
Happy days will soon end, hearken my advice.

Shahriari: Though many jewels and rings of gold,
Necks and ears of many elegantly hold;

All the good times will one day fold.
With a clear mind listen, and a beating chest.

تحلیل بیت ۵:

Shahriari	Aryanour	Bly & Lewisohn	Smith	Clarke	مترجم واژگان
Necks and ears of many elegantly hold	are dear in price	may weigh Down your ear a bit	the ear may be heavy with	the ear be heavy with (dull to)	گران دارد گوش

*گران/درد گوش: در بررسی مقایسه‌ای ترجمه‌ها ترکیب «گران دارد گوش» درخور تأمل است؛ معادل‌های این ترکیب در جدول بالا آمده است.

یکی از نقاط قوت ترجمه‌ی کلارک، دریافتن شبکه‌های معنایی چندگانه‌ی کلمات در شعر حافظ است. در بسیاری از ابیات که کلمه‌ای ایهام یا تناسب دارد، کلارک هر دو معنای نزدیک و دور ایهام را ترجمه کرده است. در این بیت کلمه‌ی «گران» ایهام تناسب دارد، هم به معنای سنگین شدن گوش از شنیدن پند و هم سنگین کردن گوش از نظر وزن است که کلارک هر دو معنی را آورده است:

the ear be heavy with (dull to) the ear-ring of gold and of ruby

در ترجمه‌ی اسمیت فقط معنای سنگین شدن گوش از نظر وزن ترجمه شده است و معنای دیگر مغفول مانده است؛ معنایی که در بیت باتوجه به تناسب‌های بیت، مثل نصیحت‌شنو، در زبان مبدأ به ذهن می‌رسد. بالای و لویسون نیز مانند اسمیت معادل آورده‌اند و به هر دو معنی توجه نکرده‌اند.

آریان‌پور، مترجم فارسی زبانی که توقع می‌رود شبکه‌های معانی و تناسبات را در زبان مبدأ بیشتر دریابد، معنی بیت را در زبان مبدأ به‌درستی دریافته است و گران را در معنای گران‌قیمت آورده است، این معنی باتوجه به لعل و گوشوار زر، جزو لایه‌های معنایی بیت

هست؛ ولی معنای مستقیمی از بیت نیست و با ترجمه‌ی آریان‌پور مخاطب ترجمه در زبان مقصد، تصویری نادرست از بیت را در ذهن خواهد آورد. ترجمه‌ی آریان‌پور چنین است:

Gold and ruby ear-rings are dear in price.

گوشوار زر و لعل از نظر قیمت گران هستند.

با این ترجمه، هم شاهد غنازدایی کیفی، هم عامیانه‌کردن لحن و هم تخریب شبکه‌های

معنایی مستتر در متن هستیم.

شهریاری نیز برای رعایت قافیه‌ی برداشتی آزاد از این مصراع را ارائه کرده است.

۶ چشم بد دور ز خال تو که در عرصه‌ی حسن

بیدقی راند که برد از مه و خورشید گرو

Clarke: From thy mole, far the evil eye! For, on the chess-board¹⁸ of beauty,

It (thy mole) moved a pawn¹⁹ that, from the moon and the sun (the moles of the sky), the bet won.

Smith: May the evil eye be far from Your mole, for on beauty's chessboard,

By advancing a pawn, over the moon and sun the game it's winning.

Bly & Lewisohn: May the evil eye be far from your beauty spot²⁰,

For in the field of beauty your mole puts forward a pawn

That moves across the board and takes both sun and moon.

Aryanpur: Good protect her mole for in beauty's field,

The Sun and Moon to her challenge will yield.

Shahriari: From evil eyes may you be freed;

Fate rode the sun and moon's steed²¹.

تحلیل بیت ۶:

Shahriari	Aryanour	Bly & Lewisohn	Smith	Clarke	مترجم واژگان
-	her mole	your beauty spot	from Your mole	From thy mole	ز خال تو

* بلای و لویسون: چنان‌که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، معادل خال در هر سه ترجمه mole آمده است که جایگزین مناسبی است؛ اما در ترجمه‌ی بلای و لویسون با اطنابی که همواره در آن دیده می‌شود، دو معادل برای کلمه‌ی خال آمده است: نخست آن را your beauty spot ترجمه کرده است که spot معادل لک‌وپیس است و معادل مناسبی نیست. کمی جلوتر گویی مترجم خود نیز پشیمان شده و برای ترجمه‌ی در عرصه‌ی حسن بیدقی راند که فاعل آن در زبان مبدأ محذوف است، اما طبق قرینه‌ی لفظی «خال تو» فاعل جمله است، خال تو را تکرار کرده است و این‌بار your mole را معادل خال آورده است. در ترجمه‌ی مصراع دوم نیز شاهد اطناب هستیم که زیر کلمات افزوده‌ی مترجم خط کشیده شده است.

* آریان‌پور: ترجمه‌ی آریان‌پور بر یک روال مشخص نیست، مترجم گاه پایبند به متن مبدأ است و گاه ترجمه‌ی آزادی از شعر ارائه می‌دهد. در ترجمه‌ی این بیت مضمون را ترجمه کرده است و کلمه‌ی field را با yield هم‌قافیه کرده است. در زبان مبدأ، بیت، خطاب به معشوق است و مضاف‌الیه خال و تو ضمیر مخاطب است، در صورتی‌که آریان‌پور به جای خال تو، خال او (her mole) آورده است و ضمیر مؤنث را هم انتخاب کرده است که جای بحث و تأمل دارد.

* شهریار: ترجمه‌ی شهریار در این بیت آزاد است و چنین است: امید که از چشم بد به دور باشی. سرنوشت از اسب توسن ماه و خورشید پیشی می‌گیرد. چنان‌که مشهود است با تخریب شبکه‌ی معنایی مستتر در بیت مواجه هستیم و تصاویر و تشبیه‌های موجود در متن نادیده گرفته شده است.

۷ آسمان گو مفروش این عظمت کاندرا عشق

خرمن مه به جوی خوشه پروین به دو جو

Clarke: Tell the sky: "Boast²² not of this pomp²³. For, in love,"
(They sell) the moon's harvest (the halo²⁴) for a barley-corn²⁵; and the cluster "of the Pleiades for two barley-corns."

Smith: Go and tell to the sky that it should not be boasting of grandeur:²⁶
In love the moon is worth a barleycorn, Pleiades²⁷ for two is selling.

Bly & Lewisohn: Tell the heavens not to brag²⁸ so much about their majesty.
The moon's gifts, compared to Love's, amounts
To one grain of wheat, and the Pleiades to two.

Aryanpur: O'Heaven, your grandeur does not display!
For Moon and Pleiades are naught²⁹ in love, I say.

Shahriari: Don't sell the harvest that you reap
In the market of love, for so cheap;
For the moon, a nickel you keep,
And for the stars a dime at best.

تحلیل بیت ۷:

Shahriari	Aryanour	Bly & Lewisohn	Smith	Clarke	مترجم واژگان
For the moon	For Moon	The moon's gifts	the moon	(They sell) the moon's harvest (the halo)	خرمن مه
a nickel	are naught	To one grain of wheat	is worth a barleycorn	for a barley-corn	به جوی
for the stars	pleiades	the Pleiades	Pleiades	the cluster "of the Pleiades	خوشه پروین
a dime	are naught	to two	for two is selling	for two barley-corns	به دو جو

**خرمن‌ماه*: در بررسی مقایسه‌ای بین ترجمه‌ها، معادل‌هایی که برای «خرمن‌ماه» آمده است، درخور تامل است. تنها کلارک خرم‌ماه را moon's harvest ترجمه کرده است. در ترجمه‌ی اسمیت، آریان‌پور و شهریاری کلمه‌ی «خرمن» نادیده گرفته شده است. بلای و لویسون اصطلاح غریبی را معادل خرم‌ماه آورده‌اند، یعنی The moon's gifts که ترجمه‌ی دقیقی نیست.

**به جوی و دو جو*: کلارک و تا حدی اسمیت به *جوی و دو جو* را با پایبندی به متن مبدأ ترجمه کرده‌اند. بلای و لویسون به جای جو، لفظ گندم را آورده‌اند. آریان‌پور مفهوم بیت را ترجمه کرده و گفته «به هیچ نمی‌ارزند» و شهریاری کاملاً شبکه‌ی تصاویر را به هم ریخته و به «ده سنت» و «پنج سنت» آن را ترجمه کرده است. ترجمه‌ی شهریاری در این بیت به قدری آزاد و بدون توجه به زبان مبدأ است که معادل بسیاری از کلمات را نیاورده و شبکه‌ی معنایی مستتر در بیت را از بین برده است.

۸ آتش زهد و ریا خرم‌دین خواهد سوخت

حافظ این خرقه پشمینه بپنداز و برو

Clarke: The fire of hypocrisy³⁰ and deceit³¹ will consume³² the harvest of religion,
Hafiz! This woollen khirka, cast away; and go.

Smith: The fire of hypocrisy and deceit will burn the harvest of religion;
O Hafiz, throw this woollen patchcoat³³ away and then be wayfaring³⁴.

Bly & Lewisohn: Hypocrisy and the fire of ascetic³⁵ renunciation³⁶
Will eventually consume the harvest of religion
Hafez, throw off your Sufi robe³⁷ and the go on your way.

Aryanpur: Hypocrisy crop³⁸ of faith will set afire-
Hafiz! Your woolly cloak³⁹ you don't require.

Shahriari: Hypocrites ruin their own creed⁴⁰ and nest⁴¹
Hafiz leaves without his dervish's vest⁴².

تحلیل بیت ۸:

Shahriari	Aryanour	Bly & Lewisohn	Smith	Clarke	مترجم واژگان
Hypocrites	Hypocrisy	Hypocrisy and the fire of ascetic renunciation	The fire of hypocrisy and deceit	The fire of hypocrisy and deceit	آتش زهد و ریا

*شهریاری: در این بیت شهریاری برای رعایت قافیه کلماتی را در کنار هم آورده که نه با زبان مبدأ تناسب دارد و نه در زبان مقصد در کنارهم آمدن آنها وجهی دارد. کلمه‌ی nest را فقط برای هم‌قافیه‌شدن با vest آورده است و تصاویر و شبکه‌های در هم تنیده‌ی معنایی بیت را از بین برده است.

*آتش زهد و ریا: در بررسی تطبیقی ترجمه‌ها ترکیب آتش زهد و ریا به‌درستی ترجمه نشده است. به جز کلارک و اسمیت دیگر مترجمان اضافه‌ی تشبیهی آتش زهد و ریا را به‌درستی تشخیص ندادند. بالای Hypocrisy and the fire of ascetic renunciation را آورده است؛ یعنی ریا و آتش توبه‌ی زاهدانه. آریان‌پور و شهریاری هم بدون توجه به این ترکیب ریا را به تنهایی آورده‌اند.^{۴۳}

۶. نتیجه‌گیری

مشکل اساسی در ترجمه‌ی دیوان حافظ از آن‌جا نشأت می‌گیرد که بسیاری از مخاطبان فارسی‌زبان دیوان حافظ، به‌دلیل کثرت مطالعه‌ی آن، تصور می‌کنند شعر حافظ را به‌درستی و کامل دریافت کرده‌اند؛ درحالی‌که هنوز بعد از نگارش تعداد بسیار زیادی شرح بر دیوان، ظرایف لفظی و معنایی بسیاری وجود دارد که محل اختلاف است؛ پس هرکسی به‌راحتی نمی‌تواند حافظ را دریافت کند، چه رسد به آنکه بخواهد آن را ترجمه کند. این نکته درباره‌ی برخی مترجمان فارسی‌زبان صدق می‌کند. در بسیاری از موارد، مشخص است که مترجم به‌علت نداشتن دانش ادبی و صرفاً با اعتماد به فارسی‌دانی دست به ترجمه زده است. حتی ترجمه‌ی بعضی از ابیات نشان می‌دهد که در بعضی موارد مترجم

در خواندن بیت هم اشکال داشته است و بدون توجه به شروح و تنها با اتکا به فارسی‌زبان بودن به ترجمه‌ی دیوان حافظ پرداخته است.

متأسفانه در بسیاری از موارد، ترجمه‌ی آزاد راه‌گزینی است برای مترجمانی که متن مبدأ را به‌درستی دریافت نکرده‌اند؛ مثلاً مترجم فهمیده است که بیت حافظ درباره‌ی سرنوشت است، اما مترجم اینکه شاعر با این مفهوم چه تصویری آفریده، چه تمثیلی آورده، آن را مدح یا ذم کرده و... را درک نکرده است؛ بنابراین با مفهوم سرنوشت تصویری آفریده و تصویر خود را ترجمه کرده است.

در تحلیل ترجمه‌ها باید گفت ویلر فورس کلارک امانت‌دار و پایبند به متن مبدأ است؛ ولی اینکه مخاطبان انگلیسی‌زبان چقدر از ترجمه‌ی کلارک لذت می‌برند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند، حرف دیگری است و احتیاج به تحقیق و بررسی جداگانه‌ای دارد. اسمیت در ترجمه وامدار کلارک است. به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد، ترجمه‌ی کلارک را پیش چشم داشته و از آن بهره جسته است. ترجمه‌ی اسمیت بر یک روش و یک سیاق نیست. گاه امانت‌دارانه به متن مبدأ ترجمه می‌کند و گاه آزادی بیشتری از خودش نشان می‌دهد. در ترجمه‌ی بلائی و لویسون، اگرچه در بسیاری از موارد دغدغه‌ی مترجمان به رعایت امانت مشهود است، ولی در بعضی موارد، اطناب این دو مترجم موجب تحریف متن مبدأ شده است. بلائی و لویسون تعمدی دارند که ابیات دو مصرع‌ی دیوان حافظ، حتماً در سه مصرع (یعنی سه قسمت) ترجمه شوند، ولو اینکه یک جمله‌ی مستقل از میانه شکسته شود و به سطر بعد منتقل گردد. این امر موجب حشو و اطناب مملی گشته است که لحن فاخر حافظ در این اطناب‌ها به لحنی عامیانه بدل شده است. همچنین از ابزارهایی برای تقریب حافظ به فرهنگ انگلیسی‌زبان کمک گرفته‌اند؛ همچون به‌کاربردن برخی اصطلاحات مسیحیت.

ترجمه‌ی آریان‌پور و شهریاری به گونه‌ای دیگر است. آریان‌پور دیوان حافظ را نوعی فال‌نامه پنداشته و در ذیل هر غزل، فال‌نامه را نیز ترجمه کرده است. به نظر می‌رسد ایشان مخاطب عامه‌ای را در زبان انگلیسی مفروض داشته است. اگرچه دانش زبان انگلیسی ایشان باتوجه‌به پیشینه‌ی تحقیقاتی و آثارشان، مشخص است، ولی باتوجه‌به ترجمه‌ی انگلیسی‌شان از دیوان حافظ این امر آشکار است که سطح دانش

ادبی ایشان از دیوان حافظ بسنده و کافی نیست. اشکال‌های ناشی از بدخوانی و فهم نادرست از متن مبدأ در ترجمه ایشان دیده می‌شود.

ترجمه‌ی شهریار از دیوان حافظ، ترجمه‌ای آزاد و به‌دور از متن مبدأ است. در بسیاری از موارد التزام ایشان به رعایت قافیه و ردیف باعث تحریف در ترجمه شده است. به نظر می‌رسد ایشان ابیات را پیش از ترجمه می‌خوانده، سپس دیوان حافظ را بسته و باتوجه به حال و هوای شاعرانه‌ی خود شروع به سرایش به زبان انگلیسی می‌کرده است. گاه در یک بیت در مصراع نخست، متن مبدأ در ترجمه دیده می‌شود، ولی همین که به مصراع دوم می‌رسد و قصد رعایت قافیه می‌کند، تنها قافیه است که کلمات بعدی را به دنبال می‌آورد، حتی اگر به قیمت تناقض مفهوم متن مقصد با مبدأ تمام شود. البته در مواردی که مفهوم بیت را کامل و به‌درستی دریافت کرده، ترجمه‌ی مقبولی ارائه داده است.

به نظر می‌رسد آنچه در ترجمه‌های حافظ مغفول مانده است، این است که مترجمان فارسی‌زبان صرفاً با اتکا به اینکه فارسی، زبان مادری‌شان است، دست به چنین کار سترگی زده‌اند و غافل بوده‌اند که بلاغت و فصاحت، زبان دانی و اندیشه‌ی عمیق حافظ آموختنی است و تنها فارسی‌دانی برای فهم حافظ و ترجمه‌ی آن کافی نیست. اگر مترجم فارسی‌زبانی باتوجه به علمش به اصطلاحات معمول در زبان مادری در کنار دانش ادبی و اطلاع کافی از زبان مقصد بتواند دیوان حافظ را ترجمه کند، شاید بتواند کم‌لغزش‌تر از مترجم انگلیسی‌زبان عمل کند.

یادداشت‌ها:

* در پژوهش پسادکتری نگارنده، ترجمه‌های انگلیسی غزل‌های حافظ بررسی شده است. در طرح گفته‌شده، از میان مترجمان فارسی‌زبان، ترجمه‌ی شهریار شهریار و عباس آریان‌پور تحلیل شده و با مترجمان انگلیسی‌زبان یعنی ویلبرفورس کلارک، پل اسمیت، رابرت بلائی و لئونارد لویسون مقایسه و مقابله شده است. از هر ترجمه، دوازده غزل به‌عنوان نمونه (جمعاً پنجاه‌وسه غزل) انتخاب شد و صحت و سقم ترجمه‌ها، زبان مترجمان، میزان درک آن‌ها از شعر حافظ، تسلط به زبان مبدأ و مقصد و زوایای پنهان و آشکار ترجمه در آثار آنان بررسی و درنهایت کاستی‌ها، موانع و دشواری‌های ترجمه‌ی شعر حافظ مشخص شد.

۱. عنوان این کتاب دو جلدی "Hafez and his Divan as viewed by the west" است.
۲. شماره‌های موجود در این جدول شماره‌ی صفحاتی است که این غزل در ترجمه‌ها آمده‌است.
۳. ترجمه‌ی شهریار به صورت آنلاین منتشر شده‌است:

<http://www.hafizonlove.com>

۴. داس. (آر)

۵. (بیشتر شاعرانه) آسمان، فلک، گردون. (آر)

۶. داس. (آر)

7. thou: archaic or dialect form of you.

8. hast: archaic second person singular present of have.

9. hath: archaic third person singular present of have.

۱۰. موهبت، استعداد الهی، نعمت. (آر)

۱۱. تدهین شده. (آر)

۱۲. درخشانی، جلال و شکوه. (آر)

۱۳. اوج. (آر)

۱۴. فانوس. (آر)

۱۵. آدم دغل‌باز، ریاکار. (آر)

۱۶. کمریند. (آر)

۱۷. حیل‌گر، مکار. (آر)

۱۸. گران‌قیمت، گران‌بها، گزاف. (آر) (کالا و مغازه) گران‌بها. (هز)

۱۹. تخت‌های شطرنج. (آر)

۲۰. سرباز شطرنج. (آر)

۲۱. لکه، پیسه، تاس، تخت‌نرد، ورق بازی) خال، نقطه خط و خال. (آر)

۲۲. اسب توسن. (آر)

۲۳. لاف‌زدن، خودستایی کردن. (آر)

۲۴. شکوه. (آر)

۲۵. خرمن ماه. (آر)

۲۶. دانه‌ی جو. (آر)

۲۷. عظمت، رفعت، شکوه. (آر)

۲۸. هفت ستاره‌ی برج ثور. (آر)
۲۹. لاف، خود نمایی. (آر)
۳۰. هیچ، بی‌فایده. (آر)
۳۱. ریا. (آر)
۳۲. فریب. (آر)
۳۳. نابودکردن به‌ویژه با آتش. (آر)
۳۴. لباس وصله دار، ژنده. (آر)
۳۵. رهرو. (هز) اینجا یعنی سالک.
۳۶. زاهدانه. (آر)
۳۷. توبه. (هز)
۳۸. ردا، خرقه. (آر)
۳۹. محصول، خرمن. (آر)
۴۰. ردا، خرقه. (آر)
۴۱. اعتقادات مذهبی، اعتراف به مسیحی بودن. (آر) اعتقادنامه‌ی مسیحیت. (هز)
۴۲. لانه. (هز)
۴۳. ردای بلند، جامه، جلیقه. (آر)
۴۴. دو بیت در بعضی از ترجمه‌ها آمده‌است که در تصحیح قزوینی _غنی و خانلری وجود ندارد. این ابیات در کتاب حافظ، صحت کلمات و اصالت غزل‌ها از مسعود فرزاد یافته‌شد؛ چون کلارک و اسمیت و آریان‌پور این دو بیت را ترجمه کرده‌اند؛ این ابیات از کتاب مسعود فرزاد به همراه ترجمه‌ها نقل می‌شوند: (فرزاد، ۱۳۴۹: ج ۲، ۱۱۱۴)

منابع

- احمدی، محمدرحیم (۱۳۹۲). «آنتوان برمن و نظریه‌گرایش‌های ریخت‌شکنا؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه». *نقد زبان و ادبیات خارجی*، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱۰، صص ۱-۱۹.
- آریان‌پور، عباس. (۱۳۵۳). *فرهنگ آریان‌پور*. تهران: امیرکبیر.
- استعلامی، محمد. (۱۳۸۳). *درس حافظ (۲جلد)*. تهران: سخن.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن (۸جلد)*. تهران: سخن.
- بلای، رابرت؛ لویسون، لئونارد. (۱۳۹۱). *دوش دیدم که ملایک در میخانه زند (سی غزل حافظ)*. ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، تهران: مرکز.
- پورگیو، فریده. (۱۳۸۴). «نگاهی به ترجمه‌های حافظ به انگلیسی». *حافظ‌پژوهی*، دفتر هشتم، صص ۷۵-۸۸.
- حافظ، شمس‌الدین. (۱۳۶۲). *دیوان حافظ*. به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۸۵). *دیوان حافظ شیرازی*. به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی‌علیشاه.
- حسینی معصوم، سیدمهدی و الهه‌علیزاده. (۱۳۹۴). «تفاوت‌های نحوی به عنوان چالشی در ترجمه‌ی ادبی؛ برگردان ضمیر سوم شخص مفرد در ترجمه انگلیسی غزل حافظ». *مطالعات زبان و ترجمه*، سال ۴۸، شماره‌ی ۲، صص ۹۳-۱۱۲.
- حق‌شناس، علی محمد و دیگران. (۲۰۰۵). *فرهنگ هزاره*. تهران: فرهنگ معاصر.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۵). *حافظ‌نامه (۲جلد)*. تهران: علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه (۱۵جلد)*. تهران: دانشگاه تهران.
- دیویس، دیک (۱۳۹۱). «در ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ». ترجمه‌ی مصطفی حسینی و بهنام میرزابابازاده فومشی، *ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه‌ی فرهنگستان)*، سال ۳، شماره‌ی ۵، صص ۶۲-۷۵.

زنده‌بودی، مهران (۱۳۹۰). «از خود و دیگری و گرایش‌های تحریفی در گفتمان ترجمه‌شناختی آنتوان برمن تا ترجمه‌ناپذیری». *مطالعات ترجمه*، سال ۹، شماره‌ی ۳۴، صص ۲۳-۳۷.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۶). *ابن‌کیمیای هستی (۳جلد)*. درباره‌ی حافظ، تهران: سخن. صفوی، کوروش (۱۳۷۱). *هفت گفتار درباره‌ی ترجمه*. تهران: مرکز. کریمی حکاک، احمد (۱۳۷۵). «زیر بار امانت حافظ». *ایران‌نامه*، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۵، صص ۵۰۵-۵۲۱.

کیوانی، مجالدین (۱۳۹۰). «ترجمه‌های انگلیسی شعر حافظ». ذیل مدخل حافظ در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، جلد نوزدهم، زیر نظر کاظم موسوی بجنوری، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

لؤلؤیی، پروین (۱۳۹۵). «ترجمه‌های حافظ به انگلیسی». ترجمه‌ی مصطفی حسینی، مترجم، سال ۲۵، شماره‌ی ۶۰، صص ۷۵-۸۱. ماندی، جرمی (۱۳۹۴). *معرفی مطالعات ترجمه، نظریه‌ها و کاربردها*. ترجمه‌ی علی بهرامی و زینب تاجیک، تهران: رهنما.

محمودی بختیاری، بهروز و منا پورنصر خاکباز (۱۳۹۰). «ترجمه‌ی ابیات دارای ایهام (دلالت چندگانه) واژگانی در شعر حافظ: مطالعه‌ی تطبیقی پنج ترجمه از دیوان او». *مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)*، شماره‌ی ۴، صص ۹۷-۱۲۲. محمودی بختیاری، بهروز (۱۳۹۲). «ترجمه‌ی ردیف در شعر فارسی: مطالعه‌ی موردی ترجمه‌ای از دیوان حافظ». *تقد زبان و ادبیات خارجی*، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱۰، صص ۲۴۳-۲۰۷.

منافی اناری، سالار (۱۳۹۰). «افزایش، کاهش و تطابق در ترجمه‌های انگلیسی اشعار حافظ». *مطالعات ترجمه*، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳۵، صص ۸۷-۱۰۰.

مهدی‌پور، فاطمه (۱۳۸۹). «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن». کتاب *ماه ادبیات*، شماره‌ی ۴۱، پیاپی ۱۵۵، صص ۵۷-۶۳.

نیکنام، مهرداد (۱۳۸۱). *کتابشناسی حافظ*. تهران: علمی و فرهنگی.

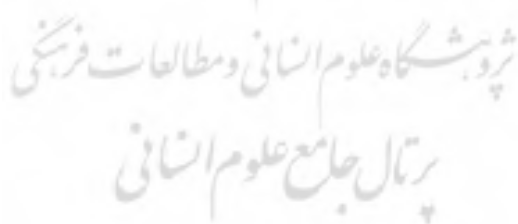
Aryanpur, A. (1984). *Odes of Hafiz: poetical horoscope*. Lexington, KY, U.S.A.: Mazdâ Publishers.

Clarck, Wilberforce. (1891). *THE DIVAN-I-HAFIZ*. Calcutta: Government of India Centre Printing Office.

Kanani, N. (2016). *Hafez and his Divan as viewed by the west*. Würzburg: Königshausen & Neumann.

Smith, P (1986). *Divan of Hafiz*. Australia, Melbourne: New Humanity Books.

<http://www.hafizonlove.com>. Shahriar Shahriari, 1999-2005, Los Angeles, last edited on December 3, 2012.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی